روزنامه شرق

پنجشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۹۶ • ۸ رجب ۱۴۳۸ • ۶ آوریل ۲۰۱۷

سال چهاردهم • شماره ۲۸۳۳ • ۲۰صفحه • ۲۰۰۰ تومان

ربیعی پیشنهاد پس‌گیری لایحه اصلاح قانون کار را داد

ارسال نامه «موعود» به روحانی

گروه اقتصاد: در این چند سالی که بحث لایحه اصلاح قانون کار و هجمه به کارگران در آن مطرح شده، بارها از سوی برخی از مسئولان وزارت کار و حتی در کمیسیون اجتماعی، بازپس‌گیری آن طرح شده، اما به تأیید رسمی وزارت کار نرسیده بود...

صفحه ۵

سیف صدور حکم پرونده اموال ایران را تکذیب کرد

ادعای کذب آمریکایی

گروه اقتصاد: «دادگاه لوکزامبورگ درباره پرونده توقیف دارایی‌های ایران در این کشور هنوز حکمی صادر نکرده است». این خبر را رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده است. ولی‌اله سیف در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران درباره ...

صفحه ۴

رضایی و قالیباف رفتنی شدند

آمدن رئیسی قوت گرفت

صفحه ۷

احمدی‌نژاد پس از ۴ سال در برابر خبرنگاران:

رو به دوربین پشت به واقعیت

- هیچ دو نفری شبیه هم نیستند جز ما سه تا (من، مشایی و بقایی)
- بقایی تأیید نشود فکرهایی می‌کنیم
- در نیویورک هم برای من کف زدند
- مدیرمسئول «شرق» ادعای احمدی‌نژاد را تکذیب کرد

صفحه ۲

طرح: هانی انصاری

تیترها

گزارش خبرنگار اعزامی «شرق» از آخرین اخبار امدادرسانی به حادثه‌دیدگان زلزله مشهد

شب وحشت در مناطق زلزله‌زده

- دستور روحانی برای رسیدگی فوری به خسارت‌دیدگان و مصدومان
- ۳۰ هزار نفر از این زلزله خسارت دیدند

صفحات ۳ و ۱۳

وزیر اطلاعات:

دولت مخالف دستگیری مدیران کانال‌های تلگرامی است

صفحه ۳

پیشنهاد تحلیلگران سیاسی به رئیس‌جمهوری

روحانی چه باید بکند

صفحه ۶

گفت‌وگو با مهدی هاشمی

از فیلم‌نامه «علی‌البدل» رضایت نداشتم

صفحه ۱۴

مقصران پلاسکو مشخص شدند

صفحه ۲

سرمقاله

آمدن یا نیامدن رئیسی

صادق زیباکلام . استاد دانشگاه تهران

اغراق نیست اگر گفته شود تا اینجا مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئله درباره انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو، موضوع آمدن یا نیامدن تولیت آستان قدس رضوی در عرصه این رقابت است. این فقط اصولگرایان نیستند که همه هوش و حواس‌شان متوجه اعلام کاندیداتوری آقای رئیسی است، اصلاح‌طلبان نیز به دقت و درعین‌حال وسواس، منتظر تصمیم‌گیری او هستند؛ اما چرا این موضوع این میزان حساسیت‌برانگیز شده است؟ درحالی‌که چنین وضعیتی درباره هیچ‌یک از نامزدهای دیگر اصولگرا مطرح نبوده؛ آنچه باعث اهمیت‌یافتن این موضوع شده، تبعات ورود او به این رقابت است. برخی از این تبعات را با وضوح بیشتری می‌توان ملاحظه کرد؛ برای مثال، نخستین و مهم‌ترین نتیجه آمدن ایشان، خارج‌کردن اصولگرایان از بحران - اگر نگفته باشیم بن‌بستی که درباره اتفاقات پیش‌رو به آن دچار هستند- است. با اینکه کمتر از ۴۰ روز به انتخابات نمانده، هنوز مشخص نیست نامزد اصلی اصولگرایان کدام چهره خواهد بود؟ آخرین گردهمایی شماری از آنها پیش از عید، با ۱۵ نامزد پایان یافت. بن‌بست اصولگرایان در رسیدن به یک نامزد واحد، از بحران عمیق‌تری حکایت دارد که این جریان مدت‌هاست گرفتارِ آن شده و ناتوانی در انتخاب نامزدی برای شرکت در انتخابات اردیبهشت، صرفا یکی از آثار این بحران است. آمدن حجت‌الاسلام رئیسی دست‌کم بن‌بست اصولگرایان در انتخاب نامزد برای رقابت‌های پیش‌رو را حل می‌کند. به استثنای محمود احمدی‌نژاد و جریان منتسب به او، سایر اصولگرایان دست بیعت به سمت نامزد اصلی خود دراز می‌کنند. البته جدای از احمدی‌نژاد، برخی اصولگرایان تندرو هم ممکن است نامزدی رئیسی را برنتابند؛ اما آنان هم ظاهرا تمکین خواهند کرد. آمدن تولیت آستان قدس بحران چنددستگی اصولگرایان در انتخابات را حل می‌کند؛ اما از سوی دیگر ملاحظات مهم‌تری چه برای خود ایشان و چه حامیان اصولگرایشان به وجود خواهد آورد. یکی از این دغدغه‌ها، مشخص‌نبودن توان و تجربه اجرائی آقای رئیسی است. به استثنای مدتی که ایشان یکی از مسئولان ارشد دستگاه قضائی بوده، تجربه اجرائی و مدیریت دیگری نداشته‌اند، هیچ ملاک و معیاری هم در دست نیست که به‌عنوان یکی از مسئولان اصلی آن قوه، در بیش از دو دهه، کارنامه اجرائی مشارالیه چگونه بوده است؟ اما این مسئله بزرگی نیست. می‌توان با تعیین مدیری اجرائی به‌عنوان معاون‌اول و سایر اعضای کابینه، این موضوع را تا حدی حل کرد. مسئله اساسی‌تر، نتیجه انتخابات است. در این تردیدی نیست که اگر این نامزد اصولگرایان وارد عرصه انتخابات شود، نامزدی اجماعی باشد که در مقابل نامزد مجموعه اصلاح‌طلبان و میانه‌روها یعنی دکتر روحانی قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر آمدن آقای رئیسی به‌سرعت انتخابات را دو قطبی آن‌هم از نوع دوم خرداد ۷۶ خواهد کرد. اگر نتیجه باب میل اصولگرایان نشود، آن‌گاه از جنس ناکامی اصولگرایان، محمدباقر قالیباف یا جلیلی نیست، بلکه تبعات آن متفاوت خواهد بود. سؤال این است: آیا حامیان رئیسی حاضر هستند تن به این مسئله بدهند؟ تبعات بعدی ناکامی احتمالی، تأثیر آن بر برنامه‌های بلندمدت آینده او خواهد بود. اگرچه قانونی وجود ندارد که براساس آن، فردی که در انتخابات ریاست‌جمهوری رأی نیاورده نمی‌تواند در سایر مسئولیت‌ها وارد شود؛ اما از منظر شأن اجتماعی وضعیت مطلوبی نخواهد بود که چنین فردی وارد مسئولیت‌های دیگر شود. این ملاحظات در صورتی است که نامزد اصولگرایان موفق نشود.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

رمزگشایی از بازی احمدی‌نژاد

مازیار خسروی

رئیس دولت سابق، خود بیش از هر کس دیگر می‌داند که تأیید صلاحیت و حضور حمیدرضا بقایی در میان نامزدهای نهایی انتخابات اردیبهشت، رؤیایی دست‌نیافتنی است. فردی که مدعی است پنج ماه در یک اتاق «کوچولو» زندانی بوده، آفتاب را ندیده و پخش فیلم بازجویی‌اش این حسن را دارد که به همه آموزش می‌دهد که چگونه در برابر بازجوها مقاومت کنند! پس چرا پس از چهار سال شال و کلاه کرده و خود را در معرض پرسش‌های تند و تیز خبرنگاران قرار داده است؟ این پرسش البته، از منظر تحلیلی طرح می‌شود، چراکه از نگاه و مشی اصلاح‌طلبانه، حق آقای احمدی‌نژاد و جریان حامی ایشان- مانند همه شهروندان و گرایش‌های سیاسی - برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی محفوظ است و دفاع از آن لازم. کلید پاسخ این پرسش، واکاوی نقش بازیگر بدون دیالوگ نمایش روز چهارشنبه در «جنت‌آباد» است. حمیدرضا بقایی، کسی که آقای احمدی‌نژاد او را شبیه‌ترین فرد به خودش و مشایی توصیف می‌کند اما بر عکس دو همزادش، کم‌حرف و خجالتی به نظر می‌رسد. بدون دیالوگ بودن نقش بقایی البته، چیزی از اهمیت این نقش در سناریوی «بهاری» کم نمی‌کند. آقای بقایی قرار است از این به بعد و تا روز اعلام نام نامزدهای تأیید صلاحیت‌شده از سوی شورای نگهبان، همان کاری را بکند که تا به حال کرده؛ ساکت و گوش به فرمان، در کنار احمدی‌نژاد بنشیند و در انظار ظاهر شود تا رئیس دولت سابق بتواند با فراغ بال و با استفاده از فضای رقابت‌های انتخاباتی، دولت حسن روحانی را هدف حملات تند و تیز خود قرار بدهد. تاکتیک هوشمندانه آقای احمدی‌نژاد، در نخستین گام، جلوی فروپاشی جریان حامی او را پس از چهار سال رکود و سرخوردگی می‌گیرد و در برابر استحاله‌شدن بدنه این جریان در جناح اصولگرا مانع ایجاد می‌کند. گام دوم یعنی خیز برای تسخیر دوباره دولت اما، به دلیل فقدان نامزد واجد شرایط تأیید صلاحیت، از هم‌اکنون محکوم به شکست است. آیا احمدی‌نژاد این را نمی‌داند؟ پاسخ این پرسش، همان‌گونه که در بالا گفته شد بی‌شک مثبت است. اگر می‌داند، پس چرا خطر کرده و خود را به میانه چنین میدانی افکنده است؟ یک پاسخ شاید بذرپاشی برای افق ۱۴۰۰ باشد. دیگری و مهمتر اما رخدادی است که کشور کمتر از ۴۵ روز دیگر شاهد آن خواهد بود؛

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آماری برای احمدی‌نژادی‌ها

عبدالحسین طوطیایی
پژوهشگر کشاورزی

دولت یازدهم با تمام دستاوردهایش، تاکنون از رسانه‌ای مناسب و فراگیر برای ارائه واقع‌گرایانه اقدامات خود برخوردار نبوده است. به نظر می‌رسد دراین‌زمینه به بخش کشاورزی نیز در رسانه عمومی، بی‌مهری شده است. آنچه تاکنون بر نگاه منابع پرسشگر نشسته است عمدتا از پنجره بازار و نوسانات قیمت مواد غذایی بوده است؛ پنجره‌ای که اتفاقا بایستی در آخرین مرحله به آن نگاه کرد. اگر فرصت‌ها و خسارات حوزه‌های مختلف اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ ارزیابی شود بدون شک بخش کشاورزی از آسیب‌دیده‌ترین‌ها بود. در آغاز دولت یازدهم نیز کابوس خشک‌سالی دامنه‌دار، خشک‌شدن پی‌درپی تالاب و دریاچه‌ها و سطح رو به کاهش سفره آب‌های زیرزمینی خود را نشان داد. واردات محصولات کشاورزی حکایت از آن داشت که مردم کشور ما از افزایش‌های درآمد نفت جز غذای روزمره سهمی ندارند. در چنین شرایطی مدیریت کشاورزی دولت یازدهم در منگنه دو نگاه ظاهرا متضاد آغاز به کار کرد. جمعی از کرسی‌داران در دولت‌های نهم و دهم از امکان تولید ۳۰۰ میلیون تن در سال و بزرگ‌نمایی‌های آمیخته با توهم سخن می‌گفتند؛ آنان که در ایام وزارت خود دیکته‌های پرغلطی هم داشتند ایرادگرفتن را آغاز کردند. از این سو نیز با توجه به کاهش مخاطره‌آمیز منابع آبی دیدگاهی خاص جز به توقف فعالیت‌های کشاورزی توصیه و تأکید نداشت. اکنون در پایان دولت یازدهم اگر تنها به بخشی از اقلام عمده به‌دست‌آمده در تولیدات کشاورزی نظر بیفکنیم درمی‌یابیم که گرچه تا سپیده فاصله زیادی است، اما همین نشانه‌ها نیز از نتایج سحر است؛ سحری که در آن بر این باوریم که می‌توانیم به انتظار امیدهای دولت دوم دکتر روحانی بنشینیم. بعد از خودکفایی گندم در سال زراعی ۱۳۸۴-۱۳۸۵ یعنی ماه‌های پایانی دولت اصلاحات به واردات حدود هفت میلیون تن گندم در اواخر دولت احمدی‌نژاد رسیدیم. با روی‌کارآمدن دولت روحانی، دستیابی به بیش از ۱۴ میلیون تن گندم در سال جاری و دو میلیون تن مازاد مصرف تنها در طول کمتر از سه سال صورت گرفت؛ اما جالب‌تر این بوده است که در این سه سال نه مجال آن بود که ساختار سنگین وزارت جهاد کشاورزی تعدیل شود و نه کیفیت و کمیت ارقام جدیدتر زراعی تفاوتی چشمگیر با سال ۱۳۹۲ داشتند و نه اینکه بدنه تحقیقاتی و کارشناسی وزارت دست‌خوش دگرگونی خیره‌کننده قرار گرفته است. با وجود واردات چندین میلیون تن برنج و شکر سفید در دولت دهم که هنوز بخشی از آن به دلیل آلودگی و غیرقابل مصرف‌بودن در انتظار حکم قضائی برای معدوم‌کردن است؛ در سال‌های ۹۲ تا ۹۵ واردات برنج و شکر با هدف حمایت از تولید داخلی و کاهش وابستگی نسبت به مدت مشابه سال‌های ۸۸ تا ۹۱ به‌ترتیب ۱۱.۲ درصد و ۳۶.۷ درصد کاهش یافته است. تولید چغندر قند نیز از چهارهزارو ۶۹ هزار تن در سال ۹۱ به پنج‌هزارو ۹۶۶ هزار تن در پایان دی‌ماه سال ۹۵ افزایش یافته که این امر باعث افزایش تولید داخلی محصول شکر از ۴۶ درصد در سال ۹۱ به ۷۲ درصد در سال ۹۵ شده است. مقایسات نرخ مرغ و گوشت قرمز در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۵ و بسیاری از اقلام اساسی غذایی نشان می‌دهد که افزایش‌ها در دو دولت قبل با جهش‌های تصاعدی و در این دولت با رشدی پایین‌تر حتی از نرخ تورم در حال کاهش، صورت گرفته است. نقش انکارناپذیر رشد بخش کشاورزی بر رشد اقتصادی کشور، کاهش تراز منفی صادرات و واردات از حدود ۹ به کمتر از چهار میلیارد دلار، برنامه‌ریزی متمرکز برای توسعه آبزیان و افزایش حدود ۳۰درصدی تولید برگ چای، افزایش ۲۰میلیون‌تنی محصولات کشاورزی و... خبر از نشاطی تازه را در این بخش می‌دهد. وزارت جهاد کشاورزی سیاست بهره‌وری از منابع آب را با توسعه کشت گلخانه‌ای و نیز تأکید اجرائی بر گسترش شبکه‌های آبیاری تحت فشار در حداکثر توان اجرائی موجود و کارایی تشکیلاتی پی گرفته است؛ اما نکته‌ای که منابع پرسشگر و به‌ویژه رسانه‌ها کمتر به آن پرداخته‌اند فعالیت‌های حفاظت از ظرفیت‌های منابع طبیعی کشور است. شگفتا که در گزارش‌های خود وزارت نیز به‌لحاظ نمای پررنگ‌تر اقلام تولید، این مهم در حاشیه قرار گرفته است. دولت یازدهم ازجمله وارث عرصه مثله‌شده جنگل‌های کشور بود. در شرایطی که جنگل‌های لاکان استان گیلان و ابر در استان سمنان و... آماج توسعه‌های کذایی دو دولت پیشین قرار داشت تنها طرح توقف بهره‌برداری از جنگل و تنفس آن به‌مثابه تغییر رویکردی محوری در این حوزه و آغاز امیدی پایدار برای نجات بقایا است. این کارنامه امیدوارکننده تنها مرهون تغییر و تصحیح نگاه کلان به بخش کشاورزی در دولت یازدهم است. نگاهی که بنا بر آن دارد که به‌جای کمک‌های صدقه‌ای (مانند پرداخت معادل ۱۲ میلیارد دلار تحت عنوان جبران خسارت خشک‌سالی در دولت نهم) به افزایش انگیزه در تولیدکنندگان بپردازد. این نگاه کلان اگر با اصلاحات ساختاری و نیز هماهنگی بخش بازرگانی و صنعت و... بیامیزد آینده اقلیم آسیب‌دیده کشورمان روشن خواهد بود.

یادداشت

درباره زمین‌لرزه در فریمان خراسان

مهدی زارع*

زمین‌لرزه ۱۶ فروردین ۱۳۹۶ که در ساعت ۱۰:۳۰ بامداد رخ داد، در چهار ساعت اول بعد از رخداد موجب ۱۴ پس‌لرزه با بزرگای بیش از ۳.۵ شد که بزرگ‌ترین آن با بزرگای ۴.۹ در ساعت ۱۲:۱۵ رخ داد. به نظر می‌رسد روند این پس‌لرزه‌ها روزها و هفته‌های بعد یا حداقل تا یک ماه ادامه داشته باشد. ضمنا احتمال رخداد سکانس جدیدی از زمین‌لرزه‌های بعدی نیز وجود دارد، ولی جمعیت زیاد در مشهد موجب شده تا مردم بیشتری آن را حس کنند. ضمنا وجود ساختمان‌های بلند موجب تشدید امواج لرزه‌ای شد. عمق زلزله فریمان بین ۱۲ تا ۱۵ کیلومتر بود و گسل مسبب نیز راستایی شمال‌غربی-جنوب‌شرقی با تمایل شرقی- غربی داشته و سازوکار آن نیز فشاری است. گسل مسبب این زمین‌لرزه به احتمال زیاد روندی گسله فریمان است که از شمال سفیدسنگ عبور می‌کند. کانون زمین‌لرزه در جایی قرار دارد که پهنه گسله کشف‌رود به پهنه گسله گسل فریمان می‌رسد. عمق زمین‌لرزه سفیدسنگ حدود ۱۵ کیلومتر برآورد شد و احتمالا به‌همین‌دلیل گستره‌ای که زمین‌لرزه ۱۶ فروردین ۹۶ در آن احساس شد تقریبا تمام ناحیه شمال‌شرق ایران (استان‌های خراسان شمالی و رضوی و جنوبی) بود. اکنون ۲۰ سال از زمین‌لرزه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ با بزرگای ۷.۱ اردکول قائن در منطقه قائنات در جنوب خراسان می‌گذرد. این زمین‌لرزه موجب ایجاد گسلش سطحی به طول ۱۲۵ کیلومتر در گسل آبیز در شمال‌شرقی استان سیستان‌وبلوچستان شد که بیشترین مقدار گسلش سطحی ثبت‌شده تاکنون در زمین‌لرزه‌های ایران است. زلزله ۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶ قائن موجب تخریب ۱۴۷ روستا، تخریب ۱۲ هزار خانه، کشته‌شدن هزارو ۵۶۸ نفر، زخمی‌شدن دوهزارو ۶۰۰ نفر و بی‌خانمان‌شدن بیش از ۵۰هزار نفر شد. بیشترین تعداد تلفات این زمین‌لرزه در روستای آبیز با ۲۶۴ کشته همراه شد. به نظر می‌رسد که ۲۰ سال بعد از زمین‌لرزه اردکول، زلزله‌ای در خراسان رخ داده است که تلفات چندانی نداشته و ضمنا همچنان می‌توان انتظار داشت تا رویداد زمین‌لرزه دیگری با بزرگای هفت در همین ناحیه روی دهد که باید برای آن آماده بود. نکته پایانی و قابل ذکر درباره این زلزله نقش شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان در زلزله فریمان است که هم در خبررسانی سریع کمک‌کننده بوده‌اند و هم از نظر انتشار اخبار اشتباه و شایعات، موجبات آسیب‌های روانی در ساعات اولیه بعد از رویداد بودند. این موضوع باید مورد توجه و بررسی محققان حوزه ارتباطات و مسائل اجتماعی باشد.

*** استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله**

خانواده محترم علمی

مصیبت درگذشت

مرحوم مغفور مهندس علی علمی

را صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

از خداوند سبحان برای آن مرحوم

علو درجات و برای شما صبر و اجر آرزومندم.

مهدی رحمانیان

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۲۸۷۷ -۸۸۱۹۳۹۷۹

sharghdaily.ir